

## رمان ماجراهای حاجی بابا اصفهانی و شرق‌شناسی پسااستعماری

فرید قائمی\*

فاطمه اسمعیلی\*\*

### چکیده

در این مقاله، به شیوه نگرش غرب به شرق و به تحلیل مبحث اسلام در شرق توجه و به سؤالات در این زمینه پاسخ داده شده است. از جمله این سؤالات: شرق و شرقیان با چه تصاویر و گفتمانی نشان داده شده‌اند؟ آیا شرقیان و مسلمانان با عناوین متفاوتی شناخته می‌شوند؟ بین امپریالیسم و ماجراهای حاجی بابا اصفهانی<sup>۱</sup> اثر جیمز موریه<sup>۲</sup> که تجلی آشکاری از شرق ساخته شده ذهن اروپاییان<sup>۳</sup> است - چه رابطه‌ای می‌توان تعریف کرد؟ شرق همواره خویشان دیگر<sup>۴</sup> غرب بوده است و غربیان همواره شرق را به گونه خویشان غریب خود پنداشته‌اند. در این مقاله همچنین توضیح داده می‌شود که غربیان چگونه خود را از منظر مبحث دو ارزشی<sup>۵</sup> شرق غرب تعریف کرده‌اند. در پایان نتیجه‌گیری می‌شود که رمان قرن نوزدهمی بستر تبعیضات و تحریم‌های قرن بیستم جهان سوم را فراهم می‌آورد؛ و در نهایت، عوامل پیدایش این تضاد دوگانه و پیشنهاد راهکارهای فرهنگی - اجتماعی بررسی می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** شرق‌شناسی، بازنمایی، شرق، غرب، اسلام، گفتمان استعماری، موریه.

\*. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرج.

\*\* دانش‌آموخته زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرج.

1. *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan*
2. James Morier
3. Orientalism
4. Otherness
5. Binary opposition

## مقدمه

جیمز موریه در سال ۱۷۸۰ در ازبیر ترکیه متولد شد. پدرش سرکنسولگری شرکت لوانت<sup>۱</sup> در قسطنطنیه بود. موریه دو بار به ایران سفر کرد. ابتدا در سال ۱۸۰۷ همراه با سرهارفورد جونز<sup>۲</sup> برای امضای شماری قراردادهای دیپلماتیک و نظامی به ایران آمد. در آپریل ۱۸۰۹ به همراه میرزا ابوالحسن، ایلچی ایران، به بریتانیا بازگشت. همچنین همراه رسمی ایلچی ایران به کاخ جرج پادشاه بریتانیا بود. سپس در سال ۱۸۱۰ به عنوان منشی سرگور اوزلی<sup>۳</sup> به ایران آمد تا با عباس میرزا بر سر صلح ایران و روسیه، متحد بریتانیا در جنگ علیه ناپلئون بناپارت، مذاکره کنند (جانستون<sup>۴</sup> ۱۹۹۸: ۱۷۵). همچنین موریه، اولین اروپایی است که مقبره سیروس را در پاسارگاد کشف کرد و ویرانه‌های ساسانی را یافت (رایت<sup>۵</sup>، ۱۹۷۷: ۱۵۲-۱۵۱).

اگرچه ایران سال ۱۸۸۰، بسیار رو به انحطاط رفته و کوچک‌تر از پیش شده بود، همچنان کشور بزرگی به حساب می‌آمد. البته تنها مرزهای گسترده این کشور مورد توجه نبود، بلکه موقعیت جغرافی - سیاسی آن و واقع شدن بین امپراتوری روسیه و هند، آن را بیش از پیش مورد توجه قرار می‌داد (راس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹: ۳۹۰-۳۸۹). درحالی که در طول تاریخ، ایران هیچ‌گاه تحت استعمار نظامی قرار نگرفت، از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و ایدئولوژی، به‌خصوص در دوره قاجاریه، تحت تسلط غریبان قرار داشت. تا زمان به حکومت رسیدن قاجار در اواخر قرن هجدهم، بریتانیا تنها در پی تأمین مقاصد تجاری خود با ایران بود. اما با تأسیس کمپانی هند شرقی در قرن نوزدهم، بعد سیاسی روابط ایران و بریتانیا رنگ تازه‌ای به خود گرفت. ایران به دژ مستحکم و دفاعی امپراتوری در حال گسترش بریتانیا در هند تبدیل شد (رایت، ۲۰۰۱: ix). رابرت جی لاندن<sup>۷</sup> معتقد است که در قرن نوزدهم، ناصرالدین شاه با یک مشکل

1. Levant  
3. SIR Gore Ouseley  
5. Wright, Denis  
7. Robert G. Landen

2. Sir Harford Jones  
4. Johnston, Henry Mckenzie  
6. Ross, Christopher N.B

اساسی روبرو بود و آن دفع توجه دو امپریالیست بزرگ روسیه و بریتانیا، شریکان بزرگ تجاری ایران، در آن زمان بود (لندن، ۲۰۰۷: ۴۱۱).

ادبیات انگلیسی درباب سفرنامه‌های ایرانی در قرن نوزدهم بسیار غنی است. اکثر این سفرنامه‌نویسان از جمله جان ملکم<sup>۱</sup> (نقل از فیروز آبادی ۲۰۰۷: ۸۰)، سر هارفورد جونز، سرگور اوزلی، جیمز موریه، آرمسترانگ<sup>۲</sup>، استوارت<sup>۳</sup>، براون<sup>۴</sup> و کرزن<sup>۵</sup> نظامیان و دیپلمات‌هایی بودند که بر سر راهشان به هند از ایران می‌گذشتند. چراکه سریع‌ترین و نزدیک‌ترین راه به بریتانیا سفر دریایی از بمبی به بوشهر و سپس از طریق خاک ایران به قسطنطنیه بود (رایت، ۱۹۷۷: ۱۴۹). موریه برجسته‌ترین نماینده دولت بریتانیا در ایران بود و حدود ۶ سال از عمرش را در دربار فتحعلی‌شاه قاجار (۱۸۳۴-۱۷۹۷) گذراند و با بسیاری از رجال سیاسی دوره قاجار آشنایی داشت. آشنایی و تجربه سفر، او را بر آن داشت تا اثر ادبی بلندی درباره ایران بنگارد. اولین اثر او سفرنامه‌ای است که تحت عنوان *سفری به ایران، ارمنستان، آسیای صغیر تا قسطنطنیه در سال‌های ۱۸۰۸-۱۸۰۹*<sup>۶</sup> در سال ۱۸۱۲ به چاپ رسید. دومین سفرنامه‌اش که در واقع دنباله این ادیسه شرقی بود، تحت عنوان *دومین سفر به ایران، ارمنستان، آسیای صغیر تا قسطنطنیه*<sup>۷</sup> در سال ۱۸۱۸ منتشر شد. او *ماجراهای حاجی بابا اصفهانی* را در سال ۱۸۲۴ و دنباله آن، *ماجراهای حاجی بابا اصفهانی در انگلیس*<sup>۸</sup> را در سال ۱۸۲۷ نگاشت. همچنین *دامه حاجی بابا*<sup>۹</sup> را که شامل ده داستان کوتاه درباره آرایشگر انگلیسی و یک ایرانی است، در سال ۱۸۳۰ تکمیل کرد.

1. John Malcom

2. Arstrong

3. Stewart, G.W.

4. Browne

5. Curzon, G.N.

6. *A Journey through Persia, Armenia, Asia Minor to Constantinople in the Years 1808-1809*

7. *Second Journey through Persia, Armenia, Asia Minor to Constantinople*

8. *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan in England*

9. *Remains of Hajji Baba*

موریه با رمان *ماجراهای حاجی بابا اصفهانی* به شهرت چشمگیری رسید؛ به طرزى که این کتاب برای بسیاری آشنا تر از نام موریه است. جی. دابلیو. استوارت می‌گوید: اینکه از نویسنده *حاجی بابا* صحبت کنیم عادی تر است تا از جیمز موریه بگوییم (استوارت، ۱۹۶۳: ۷). بعد از رباعیات عمر خیام، پرفروش‌ترین و معروف‌ترین کتاب ایرانی در میان اروپاییان است (مینوی ۱۹۶۸: ۲۸۳)، که هنوز هم تجدید چاپ می‌شود. البته درباریان دوره قاجار این کتاب را توهین بزرگی به ایرانیان تلقی کردند و میرزا ابوالحسن، ایلچی ایران در بریتانیا، نامه‌ای را در آوریل ۱۸۲۴ به موریه نوشت که حاکی از تأثر و تأسف او از مطالبی است که موریه نگاشته است (نقل از جانستون، ۱۹۹۸: ۲۱۶).

در سال ۱۸۳۰، عباس میرزا تلاش فراوانی کرد تا این کتاب را به فارسی ترجمه کند اما موفق نشد و سرانجام میرزا حبیب اصفهانی، نویسنده و شاعر تبعیدی، ترجمه آزادی از این کتاب را در سال ۱۸۸۰ ارائه کرد (صادقی، ۲۰۰۰: xii). جالب است که موریه آنچنان عبارات و اصطلاحات ایرانی را در خلال روایات و گفت‌وگوهای کتاب گنجانده است که ایرانیانی که ترجمه آن را خواندند تا مدت‌ها می‌پنداشتند که این کتاب را یک ایرانی نوشته است.

این کتاب حکایت طنزآمیزی است از داستان زندگی پرماجرایی حاجی بابا که ابتدا در سلمانی پدرش در اصفهان مشغول به کار بود. وی در سراسر هشتاد فصل داستان، پی‌درپی به حرفه‌های مختلفی روی می‌آورد. ابتدا شاگرد عثمان آقا می‌شود تا به بغداد سفر کند، دزدان ترکمن او را اسیر می‌کنند. پس از چندی سقا می‌شود، تنباکو می‌فروشد، دستیار طبیب دربار می‌شود، نسقچی قشون شاه می‌شود و سپس فرار می‌کند و خود را به لباس روحانیون قم درمی‌آورد، در قسطنطنیه بازرگانی می‌کند و در نهایت، منشی ایلچی ایران در فرنگ می‌شود.

شایان ذکر است از آنجا که این کتاب روایت‌های به‌هم‌پیوسته‌ای است که بر پایه نظریه

سیاسی و و تجربه سفری موریه بنا شده، هم در زمره رمان‌ها قرار می‌گیرد و هم گونه‌ای سفرنامه خوانده می‌شود. از نظر سبک ادبی، موریه بین دو گروه قرار می‌گیرد: از یک سو نئوکلاسیست‌های قرن هجدهم که عمدتاً دانشمندان انجیلی بودند که تمایلات ضدشرقی داشتند و از سوی دیگر، مستشرقان قرن نوزدهمی که تحت‌تأثیر آن دانشمندان بوده‌اند (عبدالواحد، ۱۹۹۲: ۱۷۰). نوع ادبی این اثر مقامه است که تصویری طنزآمیز و ناخوشایند از جامه‌ای فاسد و رو به زوال ارائه می‌دهد. در واقع انتخاب رمان مقامه<sup>۲</sup> خود نشان از اهداف زیرکانه موریه دارد تا شرق و شرقیان را حقیر جلوه دهد. علاوه بر آن همان‌طور که در تعریف طنز آمده، لحن طنزآمیز باعث مضحکه قرار گرفتن و تحقیر شخص یا گروهی می‌شود (اسدی ۲۰۰۸، ۳۸). او در مقدمه‌ای که در سال ۱۸۳۵ بر چاپ جدید رمانش نوشت، اعلام کرد که قصد او از نوشتن این روایت، نشانه‌رفتن غرور ایرانیان است و می‌خواهد به آنها نشان دهد که مورد خنده و تمسخر دیگران هستند (موریه، ۱۸۳۵: XVI).

### بحث و بررسی

موریه در رمان حاجی بابا اصفهانی همانند دو سفرنامه قبلی‌اش گزارشی از شرق ارائه می‌دهد اما در لباس یک شخصیت ایرانی که هویت فرضی آن در حاله‌ای از ابهام پیچیده شده است. همان‌طور که در پیشگفتار کتاب آمده، میرزا حاجی بابا سفیر ایرانی است که موریه در توکرات<sup>۳</sup> در شرق آناتولی در راه بازگشت به بریتانیا ملاقات می‌کند. موریه حاجی بابا را که دچار بیماری ناعلاجی شده بود، درمان می‌کند. در پاسخ به لطف بزرگ او، حاجی بابا دست‌نوشته‌ای را که شامل داستان و حوادث زندگی‌اش بود، به او تقدیم می‌کند. اما با وجود این، این فصل ترفند ادبی تلقی می‌شود تا هویت نویسنده را در نقاب یک شخصیت مجازی بپوشاند و مجال انتقاد و بازنمایی شرقیان را فراهم آورد.

1. Abdelwahed, Said I.

2. Picaresque

3. Tukrat

موریه چندان علاقه‌ای به ایران و مردمش نداشت و تمایلات او به ایران ورای نگاه یک مسافر به زیبایی‌های طبیعی یک منطقه است؛ بلکه نگاه تیزبین او به دنبال سرزمینی آباد برای دسترسی به منابع طبیعی و بازاری برای فروش محصولات کشورش است. از طرفی، بنا بر نظر ادوارد سعید<sup>۱</sup>، «مستشرقان [از جمله نویسندگان رمان] برآنند که شرق را به اروپا نزدیک سازند تا جایی که شرق را در خود جذب کند و مهم‌تر، آن را حذف کند و یا حداقل، از شگفتی، غرابت و راز و رمزهایش بکاهد» (سعید، ۲۰۰۳: ۸۷).

این مستشرقان، جویندگان شرق هستند اما نه شرقی که منبع نور و خرد است؛ بلکه شرق جغرافیایی زاده ذهن خودشان. بنابراین، موریه به دقت آداب و رسوم شرقیان را بازنویسی می‌کند. برای مثال، مراسم تدفین و عزاداری ایرانیان را توصیف می‌کند (موریه، ۱۹۶۳: ۳۰۱-۲۹۸)؛ درباره جزئیات دقیق غذاهای ایرانی، چلوها و پلوها و حتی شربت‌های ایرانی می‌نویسد (همان، ص ۱۵۵). در طول قرن نوزدهم، حاجی بابا، درست یا غلط عالی‌ترین نمونه زندگی و آداب و رسوم ایرانیان تلقی می‌شد. اگرچه موریه آداب و رسوم ایرانی را به تصویر می‌کشد، اما ادعا می‌کند که بسیاری از آنان برای اروپاییان مسخره و نفرت‌انگیز است. هنگام بازگشتش به بریتانیا در نامه‌ای به برادرش می‌نویسد که از ایرانیان متنفر است و خوشحال است که از زندگی با آنان خلاصی می‌یابد (نقل از ایروین<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲: ۲۰۲). همچنین او می‌گوید در ایران هیچ چیز جذاب نیست و ایرانیان مردمی پوچ و بی‌احساس هستند با کشوری ملال‌آور و غم‌زده که زندگی در آنجا همانند زندگی در تبعید است (نقل از جانستون<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸: ۲۰۲).

بخشی از این تنفر موریه از شرق و شرقیان در زندگی او در قسطنطنیه و از میر و بخشی دیگر در دشمنی او با مسلمانان ریشه دارد (ناطق<sup>۴</sup>، ۱۹۷۵: ۳۰). تمامی این موارد به شکل‌گیری تعصب اروپایی رایجی منجر می‌شود که موریه از خلال آن، فقر فرهنگی

1. Said, Edward W.  
3. Nategh, Homa

2. Irwin, Robert

و اقتصادی مردم خاورمیانه را به مردم غنی اروپا گزارش می‌دهد. شرقیان در رمان حاجی بابا بازنمایی منفی شده‌اند و به‌عنوان مفسد، خیانتکار، دروغگو، فریبکار، بی‌منطق، بدوی، کاهل، مستبد و یا به عبارت دیگر، در تمامی جوانب در تضاد با صداقت، درستکاری و اصالت قوم انگلوساکسون(!) بررسی متعصبانه جامعه شرقی باعث پیدایش گفتمان<sup>۱</sup> و ایماژهای مغرضانه‌ای در متن می‌شود که حاکی از نگاه شرق‌شناسانه است. عباس اقبال آشتیانی<sup>۲</sup> نیز به این نکته اذعان دارد که موریه قضاوتی مغرضانه انجام داده است و در توصیف نقص‌ها و ناتوانی‌های شرقیان مبالغه کرده تا خواننده را به خنده وادارد (اقبال آشتیانی، ۱۹۴۴: ۴۶). درواقع حاجی بابا یک کاریکاتور است تا یک تصویر صحیح از شرق. و جالب‌تر اینکه این کاریکاتور کم‌کم به رایج‌ترین تصویر و قالب رفتاری شخصیت ایرانی معرفی می‌شود. به‌طوری‌که یک‌بار خواندن کتاب معادل چندین سال زندگی در میان ایرانیان تلقی می‌شود (گلداسمیت<sup>۳</sup>، ۱۸۹۷: xxiii).

طبق نظر رادمین<sup>۴</sup>، موریه اولین فردی است که کلیشه‌سازی و قالب‌های رفتاری<sup>۵</sup> را در کتابش ارائه می‌دهد (نقل از لی<sup>۶</sup>، جاسم<sup>۷</sup> و مککالی<sup>۸</sup>، ۱۹۹۵: ۳۱). نزد بازدیدکنندگان و منتقدان غربی از خاورمیانه، دو کلیشه رفتاری بسیار رایج است: یکی کلیشه سیاسی که جنبه استبدادی اخلاق شرقیان را دربر می‌گیرد و دیگری که کلیشه شخصیتی است و به شهوترانی شرقیان اشاره دارد؛ که نه‌تنها هر دو این کلیشه‌ها در گفتمان موریه موجود است، بلکه شمار دیگری تصاویر و قالب‌های ساختگی را نیز می‌توان یافت. در حاجی بابا، ایرانیان، مستبد و خودکامه نشان داده می‌شوند تا جایی که یک فصل کامل کتاب تحت عنوان «حاجی بابا، نمونه‌ای از استبداد ایرانی»<sup>۹</sup> نوشته شده است (موریه، ۱۹۶۳: ۱۷۷-۸۵).

- |   |                          |
|---|--------------------------|
| 1. discourse  | 2. Eqbal Ashtiani, Abbas |
| 3. Goldsmith, Frederic                              | 4. Rudmin                |
| 5. Stereotype                                       | 6. Lee, Yueh-Ting        |
| 7. Jussim, Lee J.                                   | 8. Mccauley, Clark R.    |
| 9. Hajji Baba Gives a Specimen of Persian Despotism |                          |



موریه اعلاترین سطح خشونت و بی‌رحمی را در جملات حاجی بابا در لباس نسقچی قشون شاه خلاصه می‌کند: «چنان حال و هوای خشنی حکمفرما بود که چیزی جز بینی بریدن، گوش بریدن، چشم‌درآوردن، شقه کردن و سوزاندن مردم نمی‌شنیدم؛ راستش را بخواهید حتی حاضر بودم پدر خودم را شکنجه کنم» (همان، ص ۱۷۷). درواقع، شخصیت‌پردازی شرقیان و توصیف جوامع شرقی به‌صورت استبدادی و قرون وسطایی در خدمت تبلیغات امپریالیستی قرن نوزدهم و بیستم است. اگر کشورهای خاورمیانه و اسلامی به‌صورت توده‌ای بی‌نظم و هرج و مرج‌زده به غرب شناسانده شود، غربیان هم غلبه بر چنین کشورهایی را حقّ مسلمّ خود فرض می‌کنند (امین، فورتن<sup>۲</sup> و فریرسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷: vii). علاوه بر آن، شهوترانی شرقیان نیز در داستان ملاقات‌های پنهانی حاجی بابا با کنیز کردی طیب، عشق فتحعلی‌شاه به زینب و داستان به قتل رساندن او و حکایت مریم در حرمسرای سردار ایروان مشهود است. به گفته رامین جهانگللو، «از نقاشی‌های شرقی قرن نوزدهم تا اقتباس‌های متعدد هالیوودی... از شرق آشفته‌بازار به شرق افسانه‌ای می‌رسیم که چون چاشنی شهوانی - فولکوری به‌کار می‌رود» (نقل از شایگان<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸: ۸۷).

برده‌داری از دیگر قالب‌های رفتاری است که به ایرانیان نسبت داده شده است. در خانه‌های درباریان، بازرگانان و طبقه اشراف ایرانی کنیزکان و بردگانی نشان داده می‌شوند که در شرایط سختی به‌سر می‌برند. تصاویر برده‌داری نه‌تنها زنان و مردان شرقی را تحقیر می‌کند، بلکه تصویر اسلام را که دین شرقیان است، خدشه‌دار می‌سازد. برخلاف ادعاهای موریه در باب برده‌داری ایرانیان مسلمان، پیامبر اسلام از همان ابتدای مأموریت الهی خویش، جهاد علیه اشرافیت، برده‌داری، و ثروتمندان قریش را آغاز کرد (شریعتی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷: ۲۸۱).

1. Amin, Camron M.  
3. Frierson, Elizabeth B.  
5. Shariati, Ali

2. Fortna, Benjamin C.  
4. Shayegan, Daryush



شایان ذکر است که «برده‌داری در جامعه اسلامی به منزله نژادپرستی نیست» (نصر، ۲۰۰۲: ۱۸۱). چراکه برده‌ها در سپاه اسلام به فرماندهی می‌رسیدند و از منزلت اجتماعی برخوردار بودند، درحالی‌که برده‌داری در غرب برابر با نژادپرستی بود و برده‌داران خود را برتر از زیردستان خود می‌دانستند.

حاجی بابا، شخصیت اصلی داستان، که نماد شرقیان معرفی می‌شود، دروغگو، خائن و ریاکار، بزدل، ترسو، احمق و بدذات است. او به دزدان ترکمن می‌پیوندد و به زادگاه خودش حمله می‌کند؛ حتی دزدان را به دکان پدرش در اصفهان راهنمایی می‌کند و اموال پدرش را در تاریکی غارت می‌کند؛ در حالی‌که ناله‌های پدرش را می‌شنود که می‌گوید: «اگر حاجی اینجا بود، نمی‌داشت به این روز بیفتیم» (همان، ص ۳۸). حاجی از همسفرش که با او هم‌سفره می‌شود، اسبی می‌دزدد و نامه جعل می‌کند و خمس و زکات مردم را می‌رباید.

موریه از زبان نورجهان، کنیزک سیاه‌چرده حکیم باشی، رفتار و منش ایرانی را در چند سطر خلاصه می‌کند: «شما ایرانی‌ها مردمانی پست‌فطرت هستید، حتی از برده‌ها هم کمترید، از مهمان‌نوازی و غریب‌نوازی دم می‌زنید اما با ما از حیوان هم بدتر تا می‌کنید» (همان، ص ۱۴۴). به‌طور کلی تمامی این بازنمایی‌ها و تصاویر منفی، بی‌غرض و بی‌پایه و اساس نوشته نشده‌اند، بلکه موریه این رمان سیاسی را بر شالوده<sup>۱</sup> تفوق<sup>۲</sup> و برتری غرب بنا کرده است. به‌سان یک مسافر اروپایی تمام‌عیار، نژادپرستانه رفتار می‌کند و همان‌طور که کرزن می‌گوید: «او شرقیان را نژاد ضعیفی می‌داند که تنها امیدشان در دستان توانای غربیان است» (نقل از راس، ۲۰۰۹: ص ۳۹۸). به‌نظر می‌رسد گفتمان نژادی به همان اندازه که مخرب است برای نظام امپریالیستی مؤثر و سودبخش می‌نماید (همان، ص ۳۹۶). در این روایت، گفتمان شرق‌شناسانه همانند ابزاری در خدمت سلطه‌طلبی اروپا می‌ماند. درحقیقت، راوی حاجی بابا استاد گفتمان است. وارن جانسون<sup>۳</sup> بیان می‌کند: «روابط تعویضی و سببی در

1. Nasr, Seyyed Hossein  
3. Johnson, Warren

2. hegemony

تصادم دو گفتمان شرق‌شناسانه و تصویر واقعی شرق در جیمز موریه بسیار پررنگ می‌شود» (جانسون، ۱۹۸۹: ii).

عمده‌ترین بازنمایی‌های منفی و کلیشه‌سازی‌ها در حاجی بابا متوجه مسلمانان است. همان‌طور که ادوارد سعید در کتاب *پوشش خبری اسلام*<sup>۱</sup> مطرح می‌کند، عمر خیام، هارون الرشید، سندباد، علاء‌الدین، حاجی بابا و صلاح‌الدین ایوبی کم و بیش تنها اسامی آشنای شرقی - اسلامی برای متفکران غربی را تشکیل می‌دهند (سعید، ۱۹۸۵: ۱۳). متأسفانه در این کتاب، آداب و فرهنگ اسلامی به سخره گرفته شده و از طریق ایماژهایی تاریک و خفه و گفتمانی طنزآلود، بدوی و مخرب معرفی می‌شود. در واقع هدف او از تضعیف اسلام و مسلمانان از بین بردن شکوه و جلال اسلامی و فرهنگ غنی اسلامی - ایرانی است و چیزی نیست جز شرق‌شناسی محض. در مورد این چنین بازنمایی‌های منفی از اسلام، محمد شرف‌الدین در کتاب *اسلام و شرق - شناسی رمانتیک* آخاطرنشان می‌کند که پس از جنگ‌های صلیبی هیچ ارتباط حقیقی بین دو کشور برقرار نشد. بدفهمی و درک نادرستی که غربیان از اسلام و پیامبر اسلام داشتند کم‌کم در سیاست دوگانه برتر - حقیرتر بین شرق و غرب متجلی شد (شرف‌الدین، ۱۹۹۴: ۴۳).

مثلاً در مورد قم، شهر مذهبی ایرانیان، موریه چنان تصویر کلیشه‌ای و تأثیرگذاری را از خود به‌جای می‌گذارد که حتی پس از نیم قرن هنوز در تاریخ و ادبیات انگلستان به‌جا مانده و وی. اس. ناپول<sup>۲</sup> سفرنامه خود راجع به ایران را با این جملات آغاز می‌کند (ناپول ۲۰۰۱: ۱). موریه می‌نویسد: «این قم جایی است که مردمانش جز در مورد مذهب و اینکه چه کسی بهشتی و جهنمی است دهن باز نمی‌کنند. هر کسی را که می‌بینید یا سید است یا روحانی. صورت‌هایی بلند و کشیده و سرافکنده که به‌سان مأمورانی می‌ماند که بر آتش جهنم گماشته شده‌اند...» (موریه، ۱۹۶۳: ۲۵۸). علاوه بر آن، مسلمانان نه تنها

1. Covering Islam

2. Islam and Romantic Orientalism

3. Sharafaddin, Muhammed

4. Naipaul, V.S.

به طرز خصمانه‌ای به تصویر کشیده شده‌اند، بلکه آنها «محمدیون» خوانده می‌شوند. بدین معنا که حضرت محمد(ص) مردم را گمراه می‌کند و فریبکار است و مردم به جای خداوند او را می‌پرستند. موریه، مسلمانان را خطاکار، بزدل، ریاکار و دروغگو معرفی می‌کند. او می‌نویسد: «مسلمانی آنها سلاحی است ناشناختنی، به جای داشتن شمشیر و سپر، خیانتکار و حيله‌گر هستند... دروغگویی شاخص بد ملی آنهاست. برای هر کلامشان قسم می‌خورند؛ اگر راست می‌گویند قسم برای چه؟ به جان شما قسم می‌خورند، به سر خودش، بچه‌هایش، به پیغمبر و اجدادشان...» (همان، ص ۱۴۰).

اسلام در حاجی بابا چنان معرفی می‌شود که گویی تار و پودش را با خرافات و اوهام تنیده‌اند. موریه ادعا می‌کند مسلمانان مردمی خرافه‌پرست‌اند و با کشتار و مثله کردن حیوانات بی‌گناه سحر و جادو می‌کنند و بیمارانشان را با طلسم و دعا درمان می‌کنند. از دیگر بازنمایی‌های خرافه‌پرستی در حاجی بابا جبرگرایی و عقیده به سرنوشت و قسمت است. گفتارهایی نظیر: «ستارهٔ بختم مبارک است» (همان، ص ۳۹۲)، «بارک ا... طالع من» (همان، ص ۳۷۷)، «طالع نحس است» (همان، ص ۱۷۸) از این قبیل‌اند. همچنین اصلی‌ترین توجیه حاجی بابا برای ارتکاب به دزدی و کلاهبرداری این است که سرنوشت انسان‌ها در کتابی نوشته شده و انسان اختیاری ندارد (همان، ص ۴۱۳). همچنین در سراسر کتاب، مسلمانان پیوسته ریاکار معرفی می‌شوند. به‌طور مثال، موریه می‌نویسد، حاجی بابا پر رفت و آمدترین نقطهٔ حرم حضرت معصومه (س) را برای نماز خواندن انتخاب می‌کرد تا همه او را ببینند. و یا اینکه بانگ ا... اکبرش در سراسر حرم می‌پیچید و هیچ مقلدی نمی‌توانست حالات و رفتار روحانیون را به مهارت او تقلید کند (همان، ص ۲۵۹).

موریه در یک نگاه کلی‌گرایانه، مذهب اسلام را چنین معرفی می‌کند: «اول، هرکس به محمد [ص] و علی [ع] ایمان نداشته باشد، کافر و بی‌دین است و مستحق مرگ؛ دوم، تمامی مردم جهنمی هستند مگر باایمانان و اینکه می‌دانم نفرین کردن بر عمر حق است.

مطمئن هستیم که تمامی ترک‌ها به جهنم می‌روند، تمامی مسیحیان و یهودیان نجس و جهنمی هستند. خوردن گوشت خوک و شراب حرام است، پنج بار در شبانه‌روز نماز خواندن واجب است و قبل از هر نماز باید وضو کرد و آب را از آرنج تا انگشتان بریزیم نه مثل ترکان بالعکس» (همان، ص ۲۸۰). در واقع موریه به صورت تقلیل‌گرایانه و غیرمسئولانه از چیزی به نام اسلام و مسلمان صحبت می‌کند. به نظر می‌رسد که با بهره‌گیری از کلمه «اسلام»، آن را موضوعی ساده تلقی می‌کند که می‌توان هزار و پانصد سال تاریخش را تعمیم داد و در مورد آن گستاخانه پیش‌داوری کرد (سعید، ۲۰۰۷: ۶۹).

در کتاب حاجی بابا، مسلمانان، مردم جنگ‌طلب و خشنی نمایانده می‌شوند که با دشمنی، نفرت، عداوت و جدل خو گرفته‌اند. این کتاب مملو از روایاتی است که جنگ بین مسلمانان و اختلاف بین فرقه‌ها و قبایل مختلف فارس، ترک و کرد را منعکس می‌کند. موریه چنان به این اختلاف‌نظرها دامن می‌زند که گویی مهم‌ترین مسئله اسلام است و درحقیقت، با دامن‌زدن به مسئله شیعه و سنی اتحاد دنیای اسلام را نشانه می‌رود.

علاوه بر آن، موریه سعی دارد مسلمانان را دشمن دیرینه مسیحیان جلوه دهد. او گزارش می‌دهد که مسلمانان به محله ارمنیان یورش برده، وارد خانه‌های مردم شده و آنجا را ویران کرده‌اند. حتی به کلیسا هجوم برده و کتاب مقدس و صلیب‌ها را به آتش کشیده‌اند و هرآنچه قیمتی بوده با خود برده‌اند (همان، ص ۳۳۶-۳۷۷). نمونه دیگر این توصیفات ساختگی داستان کشیش مسیحی است که حاجی بابا با تنی چند از روحانیون او را احاطه کرده و از آنجا که به ظاهر توان مجادله با او را نداشتند، او را تهدید به مرگ کرده و وی را مجبور می‌کنند که شهر را ترک کند (همان، ص ۳۵۹-۳۵۶). موریه ادعا می‌کند مسلمانان، مسیحیان را سگ‌های کثیف و نجس و کافر می‌خوانند. چنین تصاویر موهون و ساختگی از رفتار مسلمانان بسیار در این کتاب آورده شده که همگی باعث ایجاد نفاق و دشمنی بین مسلمانان و مسیحیان است و در واقع مسیحیان را به خونخواهی دعوت می‌کند. این تصاویر سیاه و وهم‌آلود از

مسلمانان ایرانی آنها را به «دیگری» پست و وحشی تبدیل می‌کند که جواز استعمار این کشورها را برای غرب صادر می‌کند.

یکی از جالب‌ترین موارد در گفتمان شرق‌شناسانه موریه، اسامی شخصیت‌های داستان است. در تمامی حکایت‌ها، نام‌های کنایی و توهین‌آمیز به ایرانیان مسلمان داده می‌شود. حکیم‌باشی «میرزا احمق» نامیده می‌شود و یا نام یکی از درباریان «میرزا فضول» است. مأمور دربار هم «نامردخان» نامیده می‌شود. «حاجی» لقبی است که به مسلمانی داده می‌شود که به زیارت کعبه رفته است، اما حاجی نه تنها مسلمان مؤمنی نیست، بلکه خطاها و گناهان زیادی هم مرتکب شده است. زینب نام دیگری است که تصویر اسلام را در ذهن خوانندگان لکه‌دار می‌کند. زینب نام نوه پیامبر اسلام (ص) و فرزند حضرت علی (ع)، امام اول شیعیان است. حال آنکه در این داستان، زینب، زنی هرزه و خیانتکار است. نقطه اوج سخنورزی‌های موریه اسامی «ملا نادان» و «درویش بی دین» است. با نسبت دادن صفت بی‌دین به درویش، درواقع عرفان اسلامی زیر سؤال می‌رود. حتی در طول داستان، عرفا و اندیشمندان بزرگ ایرانی و اسلامی نظیر عطار نیشابوری و مولوی، درویشان کافری معرفی می‌شوند که به آنها نفرین می‌شود و تمامی مردم هم آمین می‌گویند (همان، ص ۲۸۴). از طرفی دیگر، «نادان» صفتی است که به یکی از روحانیون داده می‌شود. به گفته حاجی بابا، «ملا نادان یکی از مؤمن‌ترین مردان پایتخت است و پرطمع‌ترین آنها» (همان، ص ۳۳۵) که فقط به خوشی‌ها و لذات دنیوی می‌اندیشد، درحالی‌که در میان مردم به نماز و روزه و توبه مشغول است (همان، ص ۳۲۱).

انتصاب لقب‌های کنایی به شخصیت‌های داستان باعث کلی‌نگری<sup>۱</sup> رفتار و فرهنگ ایرانی می‌شود. حاجی بابا جلوه‌گر تضاد دوگانه بین شرق به‌منزله<sup>۲</sup> «دیگربود»<sup>۳</sup> غربیان استعمارگرند. موریه، شرقیان را وحشی، بیرحم، فرومایه، و احمق منعکس می‌کند و برعکس

1. Overgeneralization

2. Otherness

فرهنگ و اخلاق اروپاییان را که خود در خدمت آنها است، برتر و متمدن و آنان به سان فرشتگان حیاتی که راستگو و درستگار هستند، جلوه می‌دهد. موریه از خلال سخنان میرزا حاجی بابا، خود و یا به عبارتی، غربیان را این‌گونه معرفی می‌کند: «چه طالع مبارکی که در این لحظات آخر که گمان می‌کردم عزرائیل به سراغم می‌آید تا غضب روحم کند، فرشتهٔ حیات [جیمز موریه] بر بالینم آمد و نفس زندگی را بر جانم دمید» (موریه، ۱۹۶۳: ۸).

موریه ادعا می‌کند تملق و چرب‌زبانی ایرانیان بر غربیان تأثیری ندارد و طبیبان اروپایی تنها به خاطر تمایلات انسان دوستانه به مردم فقیر و بیمار کمک می‌کنند. و از همه مهم‌تر اینکه اصلاً نمی‌دانند رشوه چیست و کاملاً صادقانه رفتار می‌کنند (همان، ص ۴۴۰). درحالی‌که موریه نقش هم‌وطنان خود و سفیران اروپایی را در بحران اخلاقی شرق نادیده می‌گیرد. ترویج مفاهیمی نظیر خیانت و رشوه‌خواری و مسموم کردن جامعهٔ شرقی، درحقیقت، ابزاری است برای تثبیت سلطهٔ غربیان. یحیی آراین‌پور به‌خوبی این مسئله را مطرح می‌سازد و بیان می‌کند که نمایندگان بریتانیا با دادن هدایا و گوهرهای قیمتی و فریب درباریان ساده‌لوح با وعده‌های رنگارنگ، شعلهٔ فساد و نفاق را در میان ملت ایران می‌افروختند تا معاهدهٔ ننگین دیگری را به امضا رسانند (آراین‌پور، ۱۹۷۱: ۳۹۹).

علاوه بر آن، موریه در پی تضاد دوگانه در متن، پیشرفت‌های علمی و پزشکی غربیان را درمقابل بی‌اطلاعی و بی‌سوادی شرقیان می‌گذارد. برای مثال، در سراسر متن، ایرانیان ناشیانه اروپاییان غیرمسلمان را «فرنگی» می‌خوانند. وزیر دربار ایران می‌گوید: «شاه خواسته بداند که فرانسه جزیی از فرنگ است یا قلمرویی جدا دارد. و اینکه بناپارت ملحد که خود را امپراتور می‌خواند، کیست؟» (همان، ص ۴۲۲). درمورد انگلیسی‌ها هم می‌پرسد: «این ملحدان کیستند؟ آیا تمام سال در یک جزیره زندگی می‌کنند و بی‌بلاق و قشلاق ندارند؟ درست است که اکثر آنها در کشتی زندگی می‌کنند و ماهی می‌خورند؟ و یک سؤال ذهن

اکثر ایرانیان را به خود مشغول کرده است که بریتانیا جزء لندن است یا لندن بخشی از بریتانیا است؟» (همان، ص ۴۲۳). و در نهایت اینکه حاجی بابا، طبق سخنان و مشاهدات یک بازرگان، در قهوه‌خانه‌ای در قسطنطنیه، تاریخ اروپا را برای دربار ایران می‌نویسد (همان، ص ۴۲۸). در مورد دارو و درمان هم داستان به همین منوال تعریف می‌شود، به گونه‌ای که ایرانیان به واکسینه کردن کودکانشان ضد آبله توجهی نشان نمی‌دهند و حتی از آن می‌ترسند و فرار می‌کنند (همان، ص ۹۷-۹۸).

درواقع، در حاجی بابا، شرقیان، انسان‌های حاشیه‌ای<sup>۱</sup> دور انداخته‌ای تلقی می‌شوند که نیاز به کنترل و آموزش دارند. از منظر نگاه مهرزاد بروجردی، انسان سفیدپوست دو مسئولیت را بر ذمه خود می‌داند و آن از یک سو مقهور ساختن انسان‌هایی وحشی کافر، جانورخو و بربر و از سوی دیگر، تلاش در نجات دادن و حفظ استخوان‌ها، سنگواره‌ها، اصالت و فرهنگ قبیله هم اینان. (بروجردی،<sup>۲</sup> ۱۹۹۹: ۱۵)

به‌طور کلی، تصویر ساخته‌شده از ایرانیان و مسلمانان، در ذهن خوانندگان حاجی بابا چیزی جز تصویر خشم و هرج و مرج نیست. متأسفانه، تنها با پیدایش نقد پسا - استعماری و شرق‌شناسی بود که اسطوره جیمز موریه به‌عنوان بازنمایی دقیق شخصیت ملی ایرانیان زیر سؤال رفت. جالب است که بازنمایی از همان مراحل ابتدایی با زبان، فرهنگ و عقاید سیاسی نویسنده آغشته می‌شود (سعید، ۲۰۰۳: ۲۷۲). و در نتیجه، امکان ارائه بازنمایی دقیق و غیرمغرضانه را پایین می‌آورد. از طرفی، همان‌طور که شال دوبوس<sup>۳</sup> مطرح می‌کند «ترجمه‌ناپذیر کلمات از زبانی به زبان دیگر آنهایی هستند که از همه مهم‌ترند... و به هر ملتی چیزی را که باید فردیت متافیزیکی آن امید اعطا می‌کنند» (نقل از شایگان، ۲۰۰۸: ۱۱۰).

علاوه بر آن، در رمان موریه، فقط گروه خاصی از ایرانیان نشان داده شده و گروه

1. Marginalized  
3. Charles de Bos

2. Boroujerdi, Mehrzad



بیشماری از قلم افتاده‌اند. هما ناطق معتقد است، موریه با کلمه «ملت» بیگانه است و در طول روایتش هیچ‌گاه در مورد کشاورزان که اکثریت جمعیت شش میلیون نفری ایران را تشکیل می‌دادند، سخنی بر زبان نرانده است (ناطق، ۱۹۷۵: ۳۸). پس چطور روایت اقلیت جامعه تصویر تمام‌نمای جامعه ایران را منعکس می‌کند؟ و یا اینکه چرا موریه به دوران پرشکوه کریم‌خان زند و یا شاه‌عباس صفوی اشاره‌ای نمی‌کند؟ چرا هیچ‌گاه از ایثار و فداکاری ایرانیان و یا مهارت‌هایشان در سوارکاری و کشتی‌صحبتی نمی‌شود؟ و یا معماری و بناهای پرشکوه هنر اسلامی - ایرانی اصفهان نظر او را به خود جلب نمی‌کند؟ چرا تمدن عظیم ایران در تخت جمشید یکباره از یاد او می‌رود؟ و یا بهتر است بگوییم که آیا شرق به‌راستی وجود دارد؟ و یا اینکه شرق به‌عنوان سایه و تصور خود، بخشی از عالم خیال غربی‌ها است که در رؤیای نویسندگانی چون موریه آفریده شده است!

در یک کلام می‌توان گفت حاجی بابا یک تاریخ است و یک مسخ و تلاشی برای بازنویسی تاریخ ایران بر پایه تخیل و سلطه غربیان. تمدن شرقی در برابر فرهنگ غربی بنایی است فروریخته که افسون غرب آن را ویران کرده است.

### نتیجه

همان‌طور که اشاره شد، در این مقاله، ماجراهای حاجی بابای اصفهانی در سایه نقد شرق‌شناسانه پسا - استعماری خوانده شد. شرق‌شناسی به‌عنوان گفتمانی غالب و مؤثر با شتاب متون غربی را درمی‌نوردد. درحقیقت، غرب، شرق را به‌گونه‌ای ساخته و پرداخته که هماهنگ با تمایلات و خواسته‌های خود در زمینه علمی و فرهنگی باشد. و این بدان معنا است که کشورهای غربی از این طریق سیاست و اقتصاد شرق را تحت کنترل خود درمی‌آورند. به عبارت دیگر، شرق‌شناسی سمبل مدرنیسم و فرزند ناخلف استعمار است. درواقع این رمان قرن نوزدهمی بستر تبعیضات و تحریم‌های قرن بیستم جهان سوم را

فرآهم می‌آورد.

ادبیات غرب آیینۀ تمام‌نمای مسائل سیاسی اروپائیان است. بنابراین خلق چنین آثار ادبی - سیاسی به پی‌ریزی تصویر کلیشه‌ای و قالبی از شرق می‌انجامد که نه تنها بر نگاه متفکران، بلکه بر تمامی دنیا سایه می‌افکند. نتایج این کلی‌نگری‌ها راه را برای استعمار فرهنگی و نژادی و نیز به حاشیه کشاندن آموزش و مذهب شرق هموار می‌سازد. از طرفی، غربیان، رفتار بیرحمانه خود را به سبب عقاید مذهبی شرقیان توجیه می‌کردند. آنان معتقد بودند که باید به شرقیان آموزه‌های مسیح را آموزش دهند و اسلام را تهدید بزرگی در برابر خود می‌دانستند. ادوارد سعید خاطر نشان می‌کند که: «شرق و اسلام همیشه بیگانگانی بوده‌اند که نقش خاصی را درون اروپا ایفا می‌کردند» (سعید، ۲۰۰۳: ۷۱). شرق اسلامی تهدیدی جدی برای غرب است. تمامی گسستگی‌ها در بازنمایی‌های شرقیان و مسلمانان نیز از ذهنیت اسلام‌هراسی غربیان نشئت گرفته است. اما دریغ که چنان در ذهن و قلب غربیان جای گرفته که زدودن و جایگزین کردن آن بسیار به طول می‌انجامد و به تلاشی سازمان‌یافته و مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه نیاز دارد. درحقیقت، توانایی تسلط و تفوق قدرت‌های استعماری به سطح دانش و آگاهی آنان از دول ضعیف‌تر رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. غربیان که درصدد سلطه بر مشرق‌زمین هستند، پیوسته اطلاعاتشان را در مورد شرق و فرهنگ و سنن آنان تکمیل می‌کنند؛ اما متأسفانه این روند در کشورهای شرقی بسیار کند است.

کوتاه سخن اینکه، از آنجا که شرق و شرقیان برای کاوشگران غربی به منزله یک متن نامتعارف، عجیب و یک موضوع مطالعه هستند، منتقدان و روشنفکران شرقی و اسلامی نیز باید با نگاه تیزبینانه متون استعماری را مطالعه کنند تا گفتمان استعماری که در قسمت ناخوانای متن پنهان شده را بازشناسند و آن را خنثی سازند. قسمت ناخوانای متن در واقع همان بعد سوم متن است که ناشناخته و نااندیشیده مانده است. همچنین باید در نظر داشت،

می‌توان از طریق سیرکردن در فرهنگ غرب به بازسنجی ارزش‌های سنتی و اسلامی کشور خود رسید.

### کتابنامه

- آریانپور، یحیی. ۱۳۵۰. *از صبا تا نیما*. جلد اول. تهران: انتشارات زوار، ۳۵۹-۴۰۵.
- اسدی، زهرا. ۱۳۸۷. *نگاهی تطبیقی به طنز و طنزپردازی در ادبیات ایران و غرب*. فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی. سال دوم. شماره ۶.
- اقبال آشتیانی، عباس. ۱۳۲۳. *کتاب حاجی بابا و داستان نخستین محصلین ایرانی در فرنگ*. سال اول. شماره ۵. تهران: نشریه یادگار.
- بروجردی، مهرزاد. ۱۳۷۷. *روشنفکران ایرانی و غرب*. ترجمه جمشید شیرازی. تهران: فرزانه روز. سعید، ادوارد. ۱۳۸۵. *نقش روشنفکر*. ترجمه حمید عضدانلو. تهران: نشر نی.
- شایگان، داریوش. ۱۳۸۷. *زیر آسمان‌های جهان*. ترجمه نازی عظیمیا. تهران: فرزانه روز.
- صادقی، جعفر مدرس. ۱۳۷۹. *سرگذشت حاجی بابا اصفهانی*. ترجمه میرزا حبیب اصفهانی. تهران: نشر مرکز.
- فیروزآبادی، سید سعید. ۱۳۸۶. *نگاهی به دیوان غربی - شرقی و تأثیر کلامی سعدی بر گونه*. فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی. سال اول. شماره ۱.
- مینوی، مجتبی. ۱۳۳۵. *مقاله‌ای بر چند تن از رجال اروپایی و کتاب‌هایشان*. پانزده گفتار. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ناطق، هما. ۱۳۶۳. *حاجی موریه و قصه استعمار*. کتاب القبا. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- Abdelwahed, Said I. 1992. *Orientalism and Romanticism: A Historical Dialectical Relationship*. Unpublished Ph.D. dissertation, Duquesne University, Pennsylvania, USA., 2 April 2008 <[www.arabworldbooks.com/Literature/england.htm](http://www.arabworldbooks.com/Literature/england.htm)>.
- Amin, Camron M.; Fortna, Benjamin C.; and Frierson, Elizabeth B. (eds). 2007. *The Modern Middle East*. London: Oxford University Press.
- Curzon, G. N. (1925). Intro. *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan*. London: Macmillan.
- Goldsmith, Frederic. 1897. Intro. *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan*.

- Wills, C.J. (ed.). London: Lawrence.
- Irwin, Robert. 1999. "Ottoman and Persian Odysseys: James Morier, Creator of Hajji Baba of Ispahan and His Brothers", *Middle Eastern Studies*, Academic Research Library: Apr. 2: 35; MacmillanSite. 11 June 2009 < <http://us.macmillan.com/MacmillanSite/categories/BISAC/LITERARYCRITICISM/MiddleEastern> >.
- Johnson, Warren. 1989. *Voice, Power, and the Comic in Selected British and French Narratives of the Nineteenth Century*. Unpublished Ph.D. dissertation. Michigan: University of Michigan, 16 Jun. 2009 < <http://proquest.umi.com/pqdweb?did=745858221&sid=3&Fmt=7&clientId=61833&RQT=309&VName=PQD> >.
- Johnston, Henry McKenzie. 1998. *Ottoman and Persian Odysseys: James Morier, Creator of Hajji Baba of Ispahan and His Brothers*. London; New York: British Academic Press.
- Landen, Robert G. 2007. "The West through the Eyes of an Iranian Qajar Monarch", *The Modern Middle East*. Eds. Camron M. Amin, Benjamin C. Fortna, and Elizabeth B. Frierson. London: Oxford University Press.
- Lee, Yueh-Ting; Jussim, Lee J, and McCauley, Clark R. (eds). 1995. *Stereotype Accuracy: Toward Appreciating Group Differences*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Morier, James. 1835. Intro. *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan*. London: Oxford University Press.
- \_\_\_\_\_. 1963. *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan*. Ed. G.W. Stewart. London: Oxford University Press.
- Naipaul, V.S. 2001. *Among the Believers: An Islamic Journey*. New York: Vintage Books.
- Nasr, Seyyed Hossein. 2002. *The Heart of Islam: Enduring Values for Humanity*. New York: HarperSanFrancisco.
- Ross, Christopher N.B. 2009. "Lord Curzon and E. G. Browne Confront the 'Persian Question'", *The Historical Journals*, U.K.: Cambridge University Press, February: 52. 10 June 2009 < <http://journals.cambridge.org> >.
- Said, Edward W. 1985. *Covering Islam*. London: Routledge and Kegan Paul PLC.
- \_\_\_\_\_. 2003. *Orientalism*. London: Penguin Books.
- Sharafaddin, Muhammed. 1994. *Islam and Romantic Orientalism: Literary*

- Encounter with the Orient*. London: I.B. Tauris.
- Shariati, Ali. 2007. "Twelver Shiism and Revolutionary Islam in Iran", *The Modern Middle East*. Eds. Camron M. Amin, Benjamin C. Fortna and Elizabeth B. Frierson. London: Oxford University Press, 271-283.
- Stewart, G.W. (ed). 1963. *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan by James Morier*. London: Oxford University Press.
- Wright, Denis. 1977. *The English Amongst Persians: During Qajar Period*. London: Heinemann.
- \_\_\_\_\_. 2001. *The English Amongst Persians: Imperial Lives in 19<sup>th</sup> C. Iran*. 2<sup>nd</sup> ed. London; New York: I.B Tauris.